

پاسخ به صف بندی های اخیر

شجاع ابراهیمی

جمعه بیست نهم آذر ۱۳۸۷

متأسفانه در چند روز اخیر به دنبال نوشته ای از "اتحادیه آزاد کارگران ایران" که گویا منافع جنبش را به رویارویی با طیف رادیکال درون جنبش کارگری و دفاع از یک فرد دست راستی خرده بورژوازی ضد کارگروعضو فعال و نماینده مرکز همبستگی آمریکایی (سولیداریتی سنتر) در جهت اشاعه فرهنگ شازشکارانه و نگاه لیبرالیستی نسبت به طبقه کارگر، دیده است و کف زدن های پیاپی جماعتی انارکوسندیکالیست که دیگر حناپیشان برای کارگران همان سندیکای خودشان هم رنگی ندارد و به کلی جایگاه خود را در بین کارگران از دست داده و بجز یک محفل چند نفره کسی به گردشان جمع نمیشود، من را به آن واداشت تا سطح چنین افرادی را بیشتر مشخص کنم. باشد که دیگر چنین جملات و عباراتی را که در شان فعالین کارگری (که اگر باشند) و چه بسا سطحی و غیر سیاسی بر زبان نرانند.

در اینجا این سؤال پیش می آید که چرا اتحادیه آزاد کارگران ایران خود را در صف چنین افرادی میبیند؟! بدوا اشاره کنم که بنا به شناختی که خود از اتحادیه آزاد کارگران ایران دارم، عده ایی از کارگران دلسوز و فعالان کارگری آگاهی در اتحادیه حضور دارند و این جای خوشحالی است. اما درج مطالبی از طرف اتحادیه (حال سهوا یا عمدا) در دفاع از کسانی که سالهاست چمبره زده اند تا کمترین دستاورد کارگران ایران را تصاحب کنند، مرا عمیقا متأسف کرد. لذا ایجاب میکند که برخی از نکاتی که در چند روز اخیر بدان اشاره شده است بیشتر مورد موشکافی واقع شود تا چنین رفتار عجولانه و بدور از تعقل برخی که خود را "فعال کارگری" خطاب می کنند، بیشتر عیان گردد.

باید اذعان کرد که ما به عنوان اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، نه تنها خود را در مقابل هیچ نهاد کارگری مستقلی ندیده ایم بلکه تمام تلاش خود را در جهت اتحاد، همکاری و تبادل نظر با سایر نهادها و کمیته های کارگری دیگر به کار می گیریم. ما معتقدیم که ایجاد تشکلات کارگری با نیروی خود کارگران، یک نیاز شدید و مبرم جنبش کارگری است. در این راستا، نهادها و کمیته های کارگری موجود در ایران با اتحاد خود و اقدامات مشترک در جهت منافع طبقه کارگر، می توانند نقش ایفا کنند و عضویت ما در شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری، دقیقاً جواب دادن به این نیاز است. دوستان اتحادیه ذکر کرده اند که کمیته هماهنگی سعی در تضعیف اتحادیه و حتی انحلال آن را داشته است. (البته اشاره نشده که در کجا و به چه صورتی) جا دارد که دوستان اتحادیه از همکاری هاییشان با کمیته در دو سال گذشته هم می گفتند. ولی گویا متأسفانه اتحادیه پا به عرصه ای غیر دوستانه و کاملا جهت داری گذاشته است که صد البته این را، ما به عنوان تمامی افکار و نظرات اتحادیه به حساب نمی آوریم. بلکه این نظرات یکی دو نفر از اعضای اتحادیه است که امضای اتحادیه را پای اطلاعیه های شخصی خود می گذارند. با توجه به شناختی که از اتحادیه دارم و نیز بنا به گفتگوهایی که اخیرا با تعداد زیادی از اعضای اتحادیه داشته ام، هیچکدام از آنها مسئولیت مباحث جدیدی که با امضای اتحادیه صادر شده اند را نمی پذیرند و در چنین مباحثی مطلقا خود را شریک نمی دانند و به کلی از این رویکرد جدید اتحادیه بی خبر بوده اند. همانطور که پیشتر اشاره شد، نحوه ادبیات

کودکانه در دو نوشته اخیر اتحادیه، جملات نا مفهوم و بسیار ابتدایی و بدور از هرگونه نکات دستوری، این مهم را نشان می‌دهد که آن مطالب توسط یک نفرو بدون نظرخواهی از دیگر اعضا اتحادیه نوشته شده است.

البته این مانعی نیست و باز هم میتوان بحث را منطقاً ادامه داد:

در مرحله اول، برای خوانندگان اطلاعیه‌های اخیر، که امضای اتحادیه زیر آن است، به وضوح به چشم می‌خورد که اطلاعیه نویس ما، در صدد رقابتی کردن فضا و مطرح ساختن خویش است. اما متأسفانه ظرف خوبی را برای رقابت با آن انتخاب نکرده و اصولاً چه از نظر فرم ساختاری و بسیاری از دلایل دیگر سطح این دو (کمیته هماهنگی و اتحادیه) با هم متفاوت است. در ابتدای اطلاعیه می‌خوانیم: " اخیراً اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران" و برخی از اعضا "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" بدیهی ترین پرنسیپهای مربوط به مبارزه کارگران را زیر پا گذاشته و با دست کم گرفتن هوشیاری و شعور کارگران در ایران و از موضع پدري دلسوز که گویا مراقب فرزند خردسال آسیب پذیرش است! در سطحی وسیع دست به اقدامات شبه پلیسی زده اند."

بدیهی‌ترین پرنسیپهای مربوط به مبارزه کارگران را حتماً در ادامه اطلاعیه خواهید دید اما قبل از آن باید اقرار کرد که هنوز برای خواننده سطور بالا مشخص نیست که چه اتفاقی افتاده است و اطلاعیه‌ای که با این لحن شروع می‌شود در دفاع از چه سنتی است؟! تقابل با فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی و هتک حرمت به آنان، در گرو دفاع و حمایت از چه کسی و چه بینشی است؟! جواب این سوال در خود اطلاعیه مشهود است: "اما گسترش اینگونه اقدامات از سوی برخی از اعضا کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و همچنین منتسب کردن نماینده کنگره کار کانادا به سولیداریتی [بخوانید سولیداریتی سنتر یا مرکز همبستگی آمریکایی] از طرف اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران و باد زدن آن از سوی این عناصر که در کمیته هماهنگی جا خوش کرده اند، ما را بر آن میدارد تا قاطعانه در مقابل اینگونه اقدامات شبه پلیسی ایستادگی کنیم." تاکیدات و پرائنزه‌ها از من است.

شروع اطلاعیه، حمله به فعالینی است که تمام زندگی خود را صادقانه وقف مبارزه برای تحقق ابتدایی ترین خواست و مطالبات خود و هم طبقه‌ای‌هایشان کرده‌اند. اطلاعیه به فعالینی حمله میکند که مدتهاست امتحان خود را پس داده‌اند و در مقابل سرمایه‌داران و حامیان‌شان هرگز تسلیم نشده‌اند. فعالین مورد اشاره اطلاعیه، کسانی هستند که با جسارت، شجاعت و از خود گذشتگی‌شان، در مقابل باتوم و اسپری شیمیایی و زندان و شکنجه حامیان طبقه سرمایه‌دار خم به ابرو نیاورده‌اند. هتاک‌های بی حرمتی به این فعالین مبارز کارگری به این خاطر است که در کنار مبارزه با عوامل سرمایه، در مقابل نفوذ یک مرکز ضد کارگری آمریکایی نیز موضع گرفته و آگاهگری میکنند. اگر کارگران و فعالین کارگری به این خاطر مورد حمله اطلاعیه نویس اتحادیه آزاد کارگران ایران قرار می‌گیرند، این نه نگران کننده بلکه مایه افتخار است. در مرحله دوم، اعتماد به نفس قابل ستایش، خود محوری و یا خود پنداشتن (wrong confidence) باعث شده است تا اطلاعیه نویس ما از همان ابتدای اطلاعیه خویش به ناسزا گویی و تهمت پراکنی روی بیاورد. دیگر چرا این همه به خود پیچ و تاب دادند دوستان سری به لوازم ورزشی‌ها می‌زدند و شیپورهایی برای این کار تهیه می‌فرمودند تا دیگر نیازی به هتک حرمت به فعالین صادق و مبارز کارگری نباشد. در ادامه آمده است: "در دو سال گذشته برخی از اعضا کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اقدامات تفرقه افکنانه و شبه پلیسی متعددی را در غرب کشور (بویژه در سنندج) بر علیه اتحادیه آزاد کارگران ایران انجام داده اند. اینان از همان روزهای اول تشکیل

اتحادیه در محافل عمومی و علنی تلاش شبانه روزی زیادی را در راستای منتسب کردن تعدادی از اعضا هیئت مدیره اتحادیه به احزاب مخالف حکومت بکار گرفتند و با هدف فروپاشی اتحادیه و زیر ضرب بردن آن اقدام به شایعه پراکنی های گسترده ای در این زمینه کردند" (جدالخالق)!!

به قول شاعر؛ خود گویی و خود خندی / عجب مرد هنرمندی این شعر البته در مورد هنرمند مورد نظر ما، صادق نیست. چون خود از فرط عصبانیت و انزجار، دیگران را می‌خنداند. نمونه بسیار بارز از اقدامات شبه پلیسی مورد نظر ایشان در نوشته خودش (البته بدون ذکر شماره پلاک و کوچه) شوق می‌زند. از آنجا که خندانند دیگران زیاد کار سهل و ساده‌ای نیست، ممکن است عوارضی هم به دنبال داشته باشد، چرا که هنرمند مورد نظر ما یادش رفته است که برخی از فعالین کارگری که هم اکنون عضو کمیته هماهنگی هستند خود از بنیانگذاران اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار بودند. جای بسی تأمل است که نگارنده اطلاعیه فوق، ارائه فضل نموده و با آن لحن گفتار، مخاطب را مورد تمسخر قرار داده است (در اینکه ماهیت کمیته هماهنگی برای جهانیان ناشناخته بوده و ایشان مرحمت فرموده اند چهره کمیته را آشکار ساخته اند) حتما ایشان پنداشته‌اند که گویا مخاطب کمیته را نمیشناسد. جا دارد اشاره کنم که تا همین لحظه درصد زیادی از اخبار و گزارشات مندرج در سایت اتحادیه، برگرفته از سایت کمیته هماهنگی است. اطلاعیه نویس ما نیک میدانند که اعضا کمیته هماهنگی در اغلب اعتراضات کارگری، فعالانه شرکت داشته است و در میان کارگران در سطح سراسری جایگاه مورد اعتمادی دارد و همین سرچشمه انزجار و عصبانیت ایشان است. در مرحله سوم این تصویر به مخاطب میرسد که گویا اتحادیه تنها تشکل موجود و مستقل کارگران ایران به شمار می‌آید که البته نام پر طمطراق آن نیز همین شبهه را به وجود می‌آورد. مثلا اگر یک تشکل سراسری باشد و یک بدنه کار آمد و عظیم داشته باشد دیگر اینگونه سطحی با مسائلی این چنین مهم برخورد نمیکند. و یا لااقل از چندین جهت نوشته‌های مندرج در سایت را چند نفر با تجربه و کار آمد و ویرایش میکردند تا هم از نظر ادبیات و فرهنگ کارگری رفع مشکل می‌شد و هم از لحاظ حقوقی اطلاعیه‌ای معقول را منتشر می‌ساختند.

در بیان دیگر اطلاعیه نویس اتحادیه می‌خواهد چهره جناب مهدی کوهستانی را به قیمت هتک حرمت و بی احترامی به فعالین مبارز کارگری، به عنوان فرشته پاکی ها و نماد انسانیت کارگران بشناساند و در تقابلی پوچ در سطور مبهم بسیار ناچیز به معرفی دست و پا شکسته وی پرداخته است که البته اگر معرفی نمیکرد بسیار بسیار بیشتر به نفع جناب کوهستانی بود. در پایان از اطلاعیه نویس اتحادیه آزاد کارگران تقاضا میکنم که برای نیل به اهداف و امیال خود پل دیگری پیدا کند و هرگز شعور مخاطبان را به بازی نگیرد چرا که طبقه کارگر بسیار آگاه تر از آن است که اجازه دهد کسی از آن به عنوان سکوی پرتاب استفاده کند. برای اطلاعیه نویس مورد نظر، دوره بیشتر وجود ندارد. یا باید در جهت منافع جنبش کارگری ایران قدم بردارد که در این صورت همگام با مبارزه علیه استثمارگران و حامیانشان در مقابل نهادهای سرمایه‌داری و ضد کارگری از جمله سولیداریتی سنترموضع گیری کند و یا قدم رنجه فرموده و سخنگوی کارگران در نهاد های سرمایه داری و ضد کارگری شود. آینده این وضعیت را مشخص خواهد کرد.

شجاع ابراهیمی

آذر ۱۳۸۷

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری